

عمر سیاسی یک حاکم مزدور چطور به پایان می‌رسد؟!



رئیس‌جمهور اشرف غنی بعد از اكمال دور چهارم گفتگوی صلح با طالبان در خطاب به ملت گفت: "ما بخاطری به تدبیر تأکید می‌کنیم که از تجربه زمان داکتر نجیب‌الله آگاهی داریم، ما همه می‌دانیم که او چگونه فریب داده شد، سازمان ملل متحد به وی تضمین تأمین صلح داده بود؛ اما متأسفانه به فاجعه انجامید". وی چند روز بعد در سخنرانی دیگرش خطاب به سربازان گفت: "رئیس‌جمهور شما نه شاه شجاع است و نه هم امیر یعقوب خان" که برای کسی سر بگذارد و یا معاهده گندمک را بالایش امضا کنند". وی افزود که مارگزیده از ریسمان می‌ترسد، مگر ما نه از مار می‌ترسیم و نه هم از ریسمان، زیرا ما عقل داریم و با تدبیر به پیش می‌رویم و آنچه را انجام می‌دهیم که عزت کشور در آن مصئون باشد.

تاریخ معاصر بشر برای همگی ثابت می‌سازد که عزت مزدور با وقار نسبت به مزدور حلقه به گوش نزد بادار به مراتب بیشتر می‌باشد. اما اشرف غنی از آنده مزدورانی به شمار می‌رود که مزدوران حلقه به گوش را نیز شرمانده است. اینکه چرا؟! جزئیات بسیار زیاد دارد که در اینجا به گوشه‌ی از خوش خدمتی‌هایی اشاره می‌کنم که اشرف غنی در طول زمامداری‌اش به امریکایی‌ها انجام داده است ولی امریکایی‌ها وی را نادیده گرفته و موقف وی را در پروسه‌های بزرگ مانند انگشت ششم دست قرار داده اند: منزوی و بی‌صلاحیت:

- اشرف غنی در ۲۴ ساعت نخست ریاست جمهوری‌اش پیمان امنیتی با امریکا را امضا نمود و گفت که امروز روزی است که افغانستان حاکمیت ملی خود را به صورت اساسی به دست می‌آورد. حالانکه این پیمان ننگین‌ترین پیمان در تاریخ معاصر افغانستان شمرده می‌شود که روی معاهدات گندمک و دیورند را سفید ساخته است.
- اشرف غنی برای تمویل جنگ امریکا در افغانستان سیستم مالیاتی دولت را طوری عیار نمود، تا افغانستان را با شرایط صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سایر نهادهای استعماری بین‌المللی وفق دهد. وی عواید دولت را در اثر وضع نمودن مالیات گراف بر تاجران، کسبه کاران، صنعتگران، دهقانان و حتی مردم عام و بی‌بضاعت، از سقف تعیین شده صندوق بین‌المللی پول نیز بالاتر برد. درحالیکه سطح بیکاری بالاتر از 50 درصد گزارش شده است.
- اشرف غنی تحت نام جوان سازی ادارات دولتی و مبارزه با فساد؛ پالیسی (تغییر نسل یا Generation Change) را در تمام ادارات دولتی اعمال نمود و بقایای مجاهدین و کمونیستان اسبق را ریشه کن ساخت، و در عوض مهره‌های سیکولار را جایگزین ساخت.

- اشرف غنی بعد از عقد پیمان امنیتی با امریکا جنگ را افغانی ساخت و علاوه بر صدها هزار تلفات ملکی 45 هزار نیروی نظامی افغان را نیز به تیغ کشتن داد. همزمان با این صدها هزار خانواده دیگر نسبت به مشکلات امنیتی و وضعیت بد اقتصادی اقدام به مهاجرت نمودند. وی خون افغان ها را تخته خیز نفوذ امریکا در اوراسیا قرار داد، که زمامداران اسبق نیز دست به چنین جنایتی نزده بودند.
- اشرف غنی تحت نام برنامه های اقتصادی و راه اندازی دهلیزهای هوایی و غیره طرح های اقتصادی اش، زمینه را برای افتتاح و راه اندازی پروژه های منطوقی هموار ساخت. که درحقیقت هموارسازی تسلط امریکائی بر کشور و حتی کشورهای منطوقی می باشد. زیرا پروژه ها و طرح های منطوقی زمینه تأمین و گسترش نفوذ امریکائی را در منطقه ساده می سازد. ولی سهم افغانستان یک مقدار بسیار کوچک و غیر قابل ملاحظه درین میان می باشد. همچنان، اشرف غنی چهارراه اقتصادی را به یک چهارراه امریکائی مبدل ساخت. وی زمینه استخراج معادن و انتقال آن را توسط امریکائی بیشتر از قبل مهیا ساخت.
- با وجود خوش خدمتی زیاد اشرف غنی به امریکا، وی بعد از چند بار تقاضای ملاقات با ترامپ، جواب منفی دریافت نمود که بالاخره درین اواخر با کمال بی شرمی به وی نامه محرمانه فرستاد، که حتی آن هم از جانب بادارش محرمانه نماند و از سوی رسانه های امریکایی افشا شد. وی درین نامه از ترامپ خواسته بود که نیروهای امریکایی را به طور کامل از افغانستان خارج نکند. با در نظر داشت شخصیت تجارتنی ترامپ حتی پیشنهاد نموده بود که هزینه های نیروهای امریکایی در افغانستان می تواند تا ۲ میلیارد دلار و تعداد نیروهای امریکایی تا ۳۰۰۰ نفر، کاهش یابد.
- نهایتاً این که اشرف غنی درطول چهار سال حکمرانی خود بیشتر از چهار کلمه ی کلیشه یی دیگر چیزی برای مردم افغانستان فراهم نکرد و تحت نام اصلاحات اقتصاد را به رکود برده، جوهای خون را جاری ساخت و حالا بعد از ذلت و رانده شدن از سوی بادار، اکت های قهرمانی در می آورد.

با در نظر داشت موارد فوق اشرف غنی راست می گوید که وی نه از مار می ترسد و نه از ریسمان، درحالیکه از جمله خائنین است. چون تاوان و تلفات زیانبار این مار و ریسمان را مردم می پردازد نه او. اما اینکه می گوید که ما عقل داریم و با تدبیر به پیش می رویم و آنچه را انجام می دهیم که عزت کشور در آن مصئون باشد. کاملاً دروغ می گوید. زیرا عقلش برای منافع مردم افغانستان نه، بلکه برای منافع بادارانش خدمت نموده است. هیچ مورد متذکره فوق موضوعی نیست که در آن عزت مردم این کشور مصئون شده باشد. بلکه همه برای تحقق اهداف اشغالگران و استعمارگران بوده و هست.

اشرف غنی از تجربه ی داکتر نجیب الله صحبت نمود که وی بعد از اتکا به ملل متحد، بجای نجات به حلقه دار آویزان شد. سرنوشت غنی نیز بعد از یک عمر خدمت به استعمار ذلت و سرخمی خواهد بود؛ زیرا هر حاکمی که به غیر از درگاه الله سبحانه و تعالی به جایی دیگر اتکا کند و استعانت بجوید به چنین سرنوشت ذلت باری مواجه می شود که در نهایت استعمار از وی نیز رو برمیگرداند.

اشرف غنی نسبت به داکتر نجیب، شاه شجاع و یعقوب خان بدترین اعمال را برای تحقق منافع بادارش در حق مردم افغانستان انجام داده است. لذا رابطه اش با مردم مسلمان و مجاهد افغانستان قطع شده است. رابطه اش با الله متعال قبل ازین قطع شده بود و اینک رابطه اش با امریکا نیز در حالت قطع شدن است. لذا امریکا و طالبان در مذاکراتش وی و نظامش را به کلی دور می زند و او نیز عذاب وجدانش را در سخنرانی ها بازگو می کند. پس عبرت بگیرید؛ این است سرنوشت یک مزدور استعمار!

كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَاتٍ وَعَيْبُونِ ﴿٢٥﴾ وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ﴿٢٦﴾ وَنَعْمَةً كَانُوا فِيهَا فَكَرِهِينِ ﴿٢٧﴾ كَذَلِكَ ۖ وَأَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخَرِينَ ﴿٢٨﴾ فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنظَرِينَ ﴿٢٩﴾ سورة دخان

چه باغها و چشمه سارهای زیادی از خود به جای گذاشتند! و کشتزارها و اقامتگاههای جالب و گرانبهائی را. و نعمتهای فراوان (دیگری) که در آن شادان و با ناز و نعمت زندگی می کردند. این چنین بود (ماجرای آنان) و ما همه ی این نعمتها را به قوم دیگری دادیم. نه آسمان بر آنان گریست و نه زمین، و نه بدیشان مهلتی داده شد (تا چند صبحی بمانند و توبه کنند و به جبران گذشته ها بپردازند).

سیف الله مستنیر
رئیس دفتر مطبوعاتی حزب التحریر ولایه افغانستان

ⁱ سازمان ملل از داکتر نجیب خواسته بود تا با اداره انتقالی غیر جانب دار موافقت کند تا آن اداره، زمینه یک نظم سیاسی نوین را فراهم کند و جنگ در کشور پایان یابد. در مقابل سازمان ملل نجات جان داکتر نجیب را تضمین کرده بود. با این حال این سازمان نتوانست جان نجیب را نجات دهد و جنگ در افغانستان نیز پایان نیافت.

ⁱⁱ شاه شجاع، معاهده لاهور را در سال ۱۸۳۸ با رنجیت سینگ و بریتانیای وقت به امضا رساند. در سال ۱۸۳۹ شاه شجاع به کمک بریتانیا وارد قندهار شد و اعلام پادشاهی کرد.

ⁱⁱⁱ "معاهده گندمک" میان امیر محمد یعقوب خان و سر لوئیس کیوناری، نماینده سیاسی انگلستان در تاریخ ۲۶ می ۱۸۷۹ امضا شد که این معاهده‌ها در نهایت منجر به امضا "کنوانسیون کابل" یا معاهده دیورند در سال ۱۸۹۳ میان امیر عبدالرحمان خان و سر هنری مورتمور دیورند شد.